

# صليب شكسته

نوشته:

عبدالقدير صالحى

عنوان کتاب:

صلیب شکسته

نوشته:

عبدالقدير صالحی

موضوع:

عقاید کلام - اسلام و ادیان دیگر - اسلام و مسیحیت

نوبت انتشار:

اول (دیجیتال)

تاریخ انتشار:

دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری

منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[book@aqeedeh.com](mailto:book@aqeedeh.com)

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

[www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

[www.mowahedin.com](http://www.mowahedin.com)

[www.islamtxt.com](http://www.islamtxt.com)

[www.videofarsi.com](http://www.videofarsi.com)

[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)

[www.zekr.tv](http://www.zekr.tv)

[www.sadaiislam.com](http://www.sadaiislam.com)

[www.mowahed.com](http://www.mowahed.com)



[contact@mowahedin.com](mailto:contact@mowahedin.com)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

- فهرست مطالب.....أ
- آغاز سخن.....١
- قسمت نخست: ایمیل رسیده از امریکا.....٥
- قسمت دوم: جواب ایمیل.....١١



## آغاز سخن

الحمد لله حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه، والصلاة والسلام على محمد وعلى آله وأصحابه ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ، وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [آل عمران: ۱۶۴]. «یقیناً خداوند بر مؤمنان منت نهاد، و کرامت بخشید، چون در میان شان پیامبری از جنس خودشان برانگیخت که بر آنان آیات او را می خواند، و ایشان را پاکیزه می داشت و بدیشان قرآن و حکمت (اسرار سنت و احکام شریعت) می آموخت، در حالی که آنان پیش از این در گمراهی آشکاری غوطه ور بودند».

خداوند در این آیه و آیات دیگری در سوره های بقره و جمعه، تلاوت آیات، تعلیم قرآن و بیان حکمت و اسرار شریعت، و پاک کردن نفس ها را از اهداف مهم بعثت پیامبر ﷺ برمی شمارد، و در حقیقت به انجام رسیدن اهداف چهارگانه فوق توسط محمد ﷺ همان شد تا نسلی در مکتب اسلام تربیه شوند که فرشتگان بر ایشان رشک برند! نسلی با ایمان قوی، فهم دقیق و رسالت روشن که تاریخ نظیر ایشان را در خود سراغ نداشته و ندارد، اما با دریغ و درد که امروز به این اهداف چهارگانه به ویژه حکمت عملی سیره نبوی و تزکیه قرآن پسندانه توجه صورت نمی گیرد، همان است که بیداری اسلامی به ضعف و سستی گرایده و نتیجه همان است که نسل جوان امت اسلامی هویت خود را می بازند و گرفتار افکار و اندیشه های وارداتی و

تبلیغات میان تهی ادیان تحریف شده می‌گردند. نوشته‌ی که در دست دارید در حقیقت جوابی است به آن عده جوانان افغان که در خارج مرزها به خاطر عدم آگاهی درست از اساسات و ارزش‌های دینی و فرهنگی خود به مسیحیت گرویده و با ارسال نامه‌ها دیگران را نیز به سوی بی‌دینی «سه‌گانه‌پرستی» دعوت می‌کنند و از خلال نوشته‌های‌شان معلوم می‌شود که در باره‌ی اسلام هیچ نمی‌دانند. به طور نمونه، در همین نامه می‌نویسند:

«آیا می‌توانید از قرآن آیه‌ای را بیاورید که حیات ابدی (زندگی جاوید و همیشگی در بهشت) را تضمن کند؟».

روشن است که این سوال ناشی از ناآگاهی نسبت به حقیقت اسلام است! هرچند بنده تلاش نمودم حسب توان خویش به این نامه پاسخ ارائه کنم، اما حقیقت امر این است که تلاش و کوشش ما در مقابل این سیل خروشان، تهاجم فکری فرهنگی، بسیار اندک است و نا کافی. بناء وضعیت کنونی جامعه‌ما از همه علما، دانشمندان، قلم‌په‌دستان و روشنفکران با ایمان و رسالت مند خواستار آن است که تا اهداف چهارگانه رسالت محمدی صلی الله علیه و آله و سلم را مورد غور و بررسی بیشتر قرار داده و در این راستا به روشنگری بپردازند، و از جوانان عزیز می‌خواهد که با الهام از این شعر علامه اقبال لاهوری که می‌فرماید:

به منزل کوش مانند مۀ نو	درین نیلی فضا هر دم فزون شو
مقام خویش اگر خواهی در این دیر	بحق دل بند و راه مصطفی رو
برون از سینه کن تکبیر خود را	به جان خویش زن اکسیر خود را
خودی را گیر و محکم گیر و خوش‌زی	بدست کس مده تقدیر خود را

پا در رکاب شوند و با کار و تلاش پیوسته و پیوند مستحکم به حق و  
 روش مصطفی صلی الله علیه و آله هویت و اصالت خود را باز یابند و به دست خود بکارند و  
 با سرانگشتان خویش حاصل بگیرند.

وما توفیقی إلا بالله علیه توکلت وإلیه أنیب

عبدالقدیر صالحی

چاپ دوم حمل ۱۳۸۶

### یادآوری:

این نبشته شامل دو قسمت می‌باشد: قسمت اول آن ایمیلی است از  
 جانب مسیحیان افغان مقیم امریکا و قسمت دوم، پاسخ آن.





## قسمت نخست:

### ایمیل رسیده از امریکا

سلام‌های گرم به خدمت دوست عزیز و گرامی عبید جان! از ایمیل شما بی‌نهایت تشکر. امید است که جور و صحت‌مند باشید. عبید جان عزیز! خودتان آیه ۸۸ سوره‌الاسراء را با آقای اندریاس مورد بحث قرار دادید! هدف ما رهنمائی و کمک به شما و دیگر هموطنان گرامی‌مان می‌باشد تا با عیسی و نجات از طریق او آشنا شوید، بازهم خدمت‌تان عرض می‌نمایم که هدف ما مبارزه با انسان‌ها و یا عقاید آنها نیست، بلکه فقط آشنا نمودن آنان با محبت خدا و مسیحیت است، و این که می‌گوئیم خدا محبت است و شما و همه ما را دوست دارد و این دوستی را از طریق عیسی ثابت نمود، بیائید و کمی عمیق‌تر به مسائل نگاه کنیم. آیا انجیل را دقیق مطالعه کرده‌اید؟ آیا به خداوند گفته‌اید که حقیقت را برایتان آشکار نماید؟ دوست عزیز، همانطور که قبلاً هم خدمت‌تان عرض نمودم نمی‌خواهم در باره قرآن برایتان نوشته کنم، اما مثل اینکه شما علاقه زیادی دارید تا این موضوع را دنبال کنید! آیا می‌توانید از قرآن آیه‌ای بیاورید که حیات ابدی (زندگی جاوید و همیشگی در بهشت) را تضمین کند؟ البته به غیر از جهاد و قتل و قتال! عبید جان، شما نمی‌توانید آیه‌ای را پیدا کنید که حیات ابدی شما را در آخرت تضمین کند! مگر در انجیل که بارها و بارها گفته شده که وقتی فیض خدا را که مفت و رایگان که از طریق عیسی به ما عطا شده، می‌پذیریم و به عیسی مسیح که نجات‌دهنده همه انسان‌ها از گناهان است، ایمان می‌آوریم، زندگی ابدی‌مان تضمین می‌شود، زیرا خدا به عهد و پیمان خود

وفادار است، یکی از این آیات، انجیل یوحنا فصل ۳ آیه ۱۶ می‌باشد. همچنان کلام خدا می‌فرماید: «بپشید و ببینید که خداوند نکوست». در ضمن شما می‌توانید از ملاهای مسلمان پرسان کنید که سرنوشت آنان پس از مرگ چه خواهد شد؟ مسلماً خواهند گفت: نمی‌دانیم! اگر کار خوب انجام داده باشیم به جنت و اگر کار بد انجام داده باشیم به دوزخ می‌رویم! اما خدائی که نامش محبت است، کارش دقیق است و آخرت ما را از طریق ایمان به مسیح، تضمین می‌کند. آخرین باری که کار خوب انجام دادید چی وقت بود؟ آیا شما قبول دارید که نزد خدای قدوس و پاک، گناهکار هستید و عمل نیکوی شما روی گناهان دیگر شما را پوشانده نمی‌تواند؟ بار گناه و ترس و وحشت از روبروشدن با خدا، شما را آزار نمی‌دهد؟ در شبانه روز چند بار نماز می‌خوانید؟ به خداوند چه می‌گوئید؟ آیا خدا هم با شما حرف می‌زند؟ شاید بگوئید، مگر امکان دارد؟ بلی، ارتباط یک جانبه که ارتباط نیست! به طور مثال: اگر من به شما تلیفون کنم و بگویم: سلام عبید جان..... و سپس بدون اینکه به صحبت شما گوش کنم، فوراً تلیفون را قطع کنم، آیا این ارتباط درست است؟ هدف خدا از آفرینش انسان چه بود؟ آیا انسان را فقط برای گناه‌کردن آفرید؟ آیا شما از فرزندتان انتظار دارید که گمراه شود و شما را برای همیشه ترک کند؟ البته که نی! شما می‌خواهید به او محبت کنید و با او رابطه نزدیک داشته باشید. خدا هم می‌خواهد که ما با او ارتباط نزدیک داشته باشیم و به لسان مادری‌مان با او حرف بزنیم و تمام نیازهای خود را نزد او بیاوریم. به همین دلیل بود که عیسی مسیح را فرستاد تا از طریق او خود را که خدای واقعی و یکتا است و نامش محبت است به ما بشناساند.

رابطه ما عیسویان با خداوند، رابطه فرزند با پدر است، خداوند پدر آسمانی ماست و ما فرزند خواندگان او هستیم، آیا پدر دستور قتل فرزندش

را صادر می‌کند؟ البته هر چقدر پسرش بد باشد، او چنین فرمانی را هرگز صادر نخواهد کرد، اگر چنین کرد، آیا می‌توان نام او را محبت گذاشت؟ عبید جان! به نام خدای واحد و آفریننده جهان به شما می‌گویم: اگر می‌خواهید زندگی جاوید داشته باشید، اندکی تعصباتی را که ما هم یک روز مانند شما داشتیم، کنار گذاشته و به مطالعه انجیل پرداخته و فیض خدا را از طریق عیسی مسیح دریافت کنید، آیا قبول دارید که عیسی زنده است؟ اگر عیسی زنده نبود، مسیحیتی وجود نداشت و ما نمی‌توانستیم به حیات ابدی امیدوار باشیم، اما چون عیسی بر مرگ پیروز شد، پس ما هم که پیروان او هستیم، بر مرگ پیروز خواهیم شد و دارای زندگی دائمی و جاوید خواهیم شد. از طریق کسی که زنده است، به خدای واحد و واقعی برسید، عیسی مسیح می‌فرماید: من راه و راستی هستم. هیچ کس به پدر آسمانی نخواهد رسید، جز به وسیله من.

لطف نموده نظری هم به قرآن، سوره آل عمران، آیه ۵۵ بیندازید.

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ [آل عمران: ۵۵].

ترجمه: «به یاد آورید هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز (قیامت) برتر (بالاتر) از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم، سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما در آنچه بر سر آن اختلاف داشتید، داوری می‌کنم.»

دوست عزیز، روز رستاخیز چی وقت است؟ در اینجا خدا می‌گوید تا روز رستاخیز بالاتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم! کافر چه کسانی هستند؟ خودتان با دقت بخوانید و صحیح قضاوت کنید.

امید است به سوالات بنده پاسخ دهید و اگر پاسخی نداشتید، بدانید که حقیقت در عیسی مسیح است. عیسی که اکنون دروازه قلبتان را می‌کوبد و می‌گوید: عبید جان، تو را دوست دارم و جانم را به خاطر تو بر روی صلیب فدا کردم تا تو از گناهانت رهایی یابی. دریچه قلبت را باز کن و مرا بپذیر. ای گرانباران و زحمت‌کشان نزد من آئید و من به شما آرامش خواهم داد. همچنین عیسی می‌گوید: حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت. (یوحنا فصل ۸ آیه ۳۲).

آیا با خود فکر کرده‌اید که چرا اجازه نمی‌دهند تا کسی در کشورهای اسلامی انجیل بخواند؟ اگر مردم انجیل را بخوانند، دیگر حاضر نخواهند شد فریب... را بخورند و مسلماً به عیسی (نجات دهنده) ایمان خواهند آورد! ترس علمای دینی اسلام و سیاستمداران هم از همین است! خداوند انسان را آزاد و صاحب‌الاختیار آفریده است. دوست عزیز! دیگر وقت ایکه شما بر وی و من هم بدون این که فکر کنم، پشت سرتان بیایم نیست! وقت مطالعه و تفحص دقیق در باره حقایق است و اطمینان داشته باشید که حقانیت در عیسی مسیح است، روح خدا به شما ثابت خواهد نمود. آمین.

عبید جان عزیز! برایتان دعا می‌کنیم تا حقیقت را شناخته و نجات پیدا کنید، مرا برادر خود حساب کنید، و همچنان به من اطمینان کنید و اطمینان کنید که بدون مطالعه مسیحی نشدیم.

در انتظار ایمیل‌های محبت‌آمیز شما هستیم و امید است خبر خوشی را از شما دریافت کنم، شما را از صمیم قلب دوست داریم و برایتان دعا می‌کنیم، حتی اگر به ما جواب منفی بدهید.

---

فيض و آرامش خداوند با شما باد  
دوست و خادم شما مسيح، فهميم  
۲۱ / ۰۵ / ۲۰۰۶



## قسمت دوم:

### جواب ایمیل

دوست عزیز سلام!

از ایمیل تان نهایت خورسندم، به راستی لحن دوستانه و محبت آمیزتان وادارم کرد تا متقابلاً با شما ابراز دوستی و محبت کنم و همانگونه که شما ابراز خیرخواهی کردید، بنده نیز به نوبه خود در مقابل شما و سایر دوستانی که دور از وطن در جستجوی حقیقت می باشند ادای رسالت نمایم.

قبل از این که به پاسخ سوالات شما بپردازم باید یادآور شوم که من از اولین ابراز نظر تان نسبت به اسلام، دانستم که شما در باره این دین بزرگ معلومات کافی ندارید.

**ببینید این سخن شماست:**

«شما غیر از جهاد و قتل و قتل نمی توانید در قرآن آیه ای را پیدا کنید که حیات ابدی تان را در آخرت تضمین کند».

این ابراز نظر تان مرا به تعجب واداشت، و دریافتم که شما در باره قرآن کریم از معلومات کافی برخوردار نیستید و آنچه می گوئید، سخن خودتان نیست، و دارید سخن دیگران را بر زبان می آورید، بناء به عنوان یک جوان مسلمان و متعهد به اساسات دینم وظیفه خود دانستم شما را به واقعیت امر آگاه ساخته تا شاید در مقابل تان به عنوان یک دوست و هموطن ادای رسالت کرده باشم.

**دوست عزیز، شما فرمودید که:**

آیا می‌توانید از قرآن آیهای را بیاورید که حیات ابدی (زندگی جاوید و همیشگی در بهشت) را تضمین کند؟

در جواب‌تان باید گفت: بله، یک آیت چه که ده‌ها آیه را می‌توانم به سوی قلب‌تان رهسپار سازم، بدین امید که پروردگار یگانه شما را در شاهراه هدایت رهنمون فرماید. پس گوش دهید به خالق هستی ﷻ: ﴿جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَرْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿۲۳﴾ [الرعد: ۲۳]. «باغ‌های بهشت که جای ماندگار است، و آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود که صالح باشند بدانجا وارد می‌شوند، و فرشتگان نیز از هر سوی بر ایشان وارد می‌گردند».

﴿جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿۳۱﴾ [النحل: ۳۱]. «باغ‌های است جهت اقامت دائمی که بدان وارد می‌گردند و رود بارها، در زیر کاخ‌ها و درختان آن روان است، در آنجا هر چه بخواهند دارند، خداوند اینچنین به پرهیزگاران پاداش می‌دهد».

﴿أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسَنَتْ مَرْتَفَعًا ﴿۳۱﴾ [الکهف: ۳۱]. «آنان کسانی هستند که بهشت جاویدان از آن ایشان است، بهشتی که در زیر «کاخها و درختان» آن جویبارها روان است. آنان در آنجا با دستبندهای طلا آراسته می‌شوند، و جامه‌های سبز از حریر نازک و ضخیم می‌پوشند، در حالی که بر تخت‌ها تکیه زده‌اند، چه پاداش خوبی است! و چه مقرر زیبایی!».



﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا﴾ [الكهف: ۱۰۷]. «بی‌گمان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کرده اند، باغ‌های بهشت جایگاه پذیرائی از ایشان است.»

این بود قطره از بحر بی‌کران قرآن در باره بهشت، و حالا چند قطره از این باران ملکوتی و گوارا را به شما نشانی می‌دهم تا اگر خدای بزرگ خواسته باشد خودتان از نزدیک قلب‌تان را با این باران رحمت الهی آبیاری فرمائید. لطفاً اگر طالب بهشتی می‌باشید که به تعبیر قرآنکریم پهنای آن به اندازه آسمان‌ها و زمین است به این آدرس‌ها مراجعه فرمائید:

قرآنکریم: سوره طه آیه ۷۶، سوره سجده آیه ۱۹، سوره فاطر آیه ۳۳، سوره بینه آیه ۸، سوره آل عمران آیات ۱۵، ۱۳۶، ۱۹۸، سوره مائده آیه ۱۱۹.

خلاصه دوست عزیز در قرآنکریم اضافه از «(۱۴۰)» مرتبه کلمه جنت و مشتقات آن بکار رفته که اولاً نیاز به آگاهی دارد و در ثانی نیاز به تفکر و اندیشه، و باز قرآنکریم یکی است و شما هیچ وقت دچار تشویش نخواهید شد که کدام یک از قرآن‌ها را مورد مطالعه قرار بدهم لطفاً یک مرتبه هم که شده دروازه‌های دلت را به سوی قرآن باز کن!!!

**باز فرموده بودید که:**

«اگر شما زاملاهای مسلمان پرسان کنید که سرنوشت آنان پس از مرگ چه خواهد شد، می‌گویند: نمی‌دانیم.»

باید گفت که باز شما دوست عزیز به اشتباه رفته اید، شما باید بدانید که در اسلام مثل مسیحیت، پدران روحانی و رجال مقدس وجود ندارد که هرچه آنان بگویند مردم با چشمان بسته بپذیرند، باید به آگاهی‌تان برسارم که «توحید، نبوت و معاد» از اصول اساسی عقاید اسلامی می‌باشد، و در باره هریک از این اصول سه‌گانه هر مسلمان مکلف است که آگاهی کامل حاصل نموده، بعد از قناعت و باور درونی اعلان و اقرار نماید که خدا یک است و

محمد ﷺ آخرین پیام‌رسان الهی می‌باشد، زنده‌شدن پس از مرگ و جنت و دوزخ، حساب و... حق‌اند، ایمان به این حقایق از نظر اسلام وقتی پذیرفتنی است که از روی آگاهی کامل، قناعت و رغبت قلبی باشد در غیر آن باورها و عقاید تقلیدی و کورکورانه پذیرفته نمی‌شود. از جانب دیگر، گام‌های که باید جهت نایل آمدن به جنت و دورشدن از دوزخ برداشته شود، چنان در قرآنکریم و سنت نبوی ﷺ شفاف و روشن بیان شده که هیچ ضرورت نمی‌افتد، به پرسش از اهل جنت و اهل دوزخ! زیرا که در روشنائی اصول سه‌گانه فوق، «توحید، نبوت و معاد» تعالیم اسلامی برای یک مسلمان وظیفه اش را مشخص می‌کند که تو جهت رسیدن به عبودیت خالص پروردگار، گام‌های را باید برداری: رابطه میان تو و خدا، چگونه باشد، در ارتباط با خود چه رسالت داری، در مقابل هموعانت چه باید بکنی و نگرش تو به سایر هستی چگونه باید باشد تا مورد قبول پروردگار یگانه قرار گیری، و اگر نظر به ضعف و سستی انسانی در امر بندگی کوتاهی کردی حق نداری از رحمت خدا ناامید شوی باید تلاش کنی و تا حد امکان در جهت رضای خالق خود قدم برداری، طالب مغفرت باشی و امید را از دست ندهی که ناامیدی از رحمت الهی در فرهنگ اسلامی معادل کفر است.

حالا شما دوست عزیز بفرمایید که وقتی گام‌های رسیدن به خدا مشخص باشد و لغزش‌ها هم قابل بخشش و امیدوار بودن به رحمت خدا هم شرط ایمان، جای برای سوال از اهل دوزخ و جنت و انگیزه‌ای برای تشویش باقی می‌ماند؟!.

**شما پرسیدید که:**

«در شبانه روز چند بار نماز می‌خوانید؟ به خداوند چه می‌گوئید؟ آیا خدا

با شما حرف می‌زند؟».

دوست عزیز، ما به عنوان مسلمان در یک شب و روز پنج مرتبه به حضور رب خود شرفیاب می‌شویم، و اگر بخواهیم بیشتر از این می‌توانیم در برابرش به عبادت پردازیم، اما کلماتی که باید در مقابلش بگوییم مشخص و دارای معناست - مانند ناقوس و زنگ کلیسا نیست - تکامل بخش و اثرگذار است. «اللَّهُ أَكْبَرُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، الرَّحْمَنُ، الرَّحِيمُ، مَالِكُ، سُبْحَانَ». هرکدام از این کلمات رشد دهنده قلب و پاک‌کننده جوارح و رهگشای انسان می‌باشد که اگر ترس از طولانی شدن سخن نمی‌داشتیم راز هریک را برای شما می‌شکافتم.

و درباره حرف‌زدن خدا، قابل ذکر است که خدا حرف‌های خود را در قالب یک معجزه بزرگ «قرآن کریم» به اکمال و اتمام رسانیده و ما به بقول محبوب دل‌هایمان محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که نماز می‌خوانیم با خدای خود سخن می‌گوئیم و هنگامی که به تلاوت قرآن‌کریم مشرف می‌شویم پروردگار با ما سخن می‌گوید. اما شما در مثال خود که گفتگو با خدا را تشبیه به مکالمه تلفنی میان دو انسان کردید، مرا به تعجب واداشت و وحشت! تعجب بدین خاطر که خدای شبیه انسان و با منزلت پائین و ناتوان قابل پرستش نیست که شما در برابرش کرنش کنید!! اما وحشت بدین خاطر که شما چگونه به خود جرأت و اجازه دادید که خدا را تا حد یک مخلوق پائین بیاورید و ارتباط با او را به نوعی از ارتباطات زمینی، میان انسان‌ها مانند کنید!؟!

و همین‌گونه چند سطر پائین‌تر گفتید:

«رابطه ما عیسویان با خدا رابطه فرزند با پدر است، خداوند پدر آسمانی ماست و ما فرزند خواندگان او».

دوست عزیز! اگر کمی دقت کنید این سخن بسیار تکان‌دهنده است، چرا که باز مثل سخن قبلی‌تان خدا را نیازمند و ناتوان معرفی می‌کند، زیرا که

رابطه میان پدر و فرزند رابطه نیاز متقابل است، بدین معنا که پسر به پدر نیاز دارد و پدر به پسر، و یک موجود نیازمند هرگز نمی‌تواند خدا باشد. و عقل سلیم حکم می‌کند که ذاتی سزاوار خدایی و پرستش است که بی‌نیاز مطلق باشد، و بسیاری از پدران اند که نمی‌توانند نیاز فرزندان خویش را برآورده سازند و همین گونه بسیاری از فرزندان اند که به پدران خویش کاری نمی‌توانند انجام دهند.

### یک مطالبه جالب!

شما در قسمتی از نوشته خود گفته بودید:

«بنام خداوند واحد و آفریننده جهان به شما می‌گویم، اگر می‌خواهید زندگی جاوید داشته باشید اندکی تعصبات را کنار بگذارید».

من هم بدون تعصب و به نام خدای یگانه از شما می‌طلبم تا بر این اقرار خود که خدا یگانه است و حضرت مسیح علیه السلام فرستاده اوست باقی بمانید و مانند ما مسلمانان میان هیچ‌یک از پیامبران الهی فرقی قایل نباشید، همه را دوست داشته باشید و مانند ما که انکار وجود رسالت حضرت مسیح علیه السلام را کفر می‌دانیم انکار رسالت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را شما نیز کفر بدانید و از معمای حل‌ناشدنی تثلیث «سه‌گانه‌پرستی» خود را نجات بخشید.

همچنین شما آیه‌ای را از سوره مبارکه آل عمران به زعم خود شاهد بر مدعا آورده اید، معلوم می‌شود که این آیه مورد قبول‌تان قرار گرفته است، پس لطف نموده به این آیه مبارکه دقت بیشتر فرموده و به تمام آیات قرآن کریم که در باره حضرت مسیح علیه السلام آمده است به دقت نظر انداخته و حقیقت این پیامبر برحق الهی را از زبان قرآن بشنوید و به آن ایمان بیاورید در غیر آن معلوم می‌شود که به این آیت هم باور ندارید و استدلال شما هم به چیزی که شما به آن باور ندارید درست نیست.

و نیز در نامه‌تان آمده است که

«عیسی اکنون دروازه قلب‌تان را می‌کوبد و می‌گوید: ترا دوست دارم، و جانم را روی صلیب فدا کردم تا تو از گناهانت رهایی یابی».

در این باره هم همان آش است و همان کاسه! شما باز خدای خود را آنقدر ضعیف معرفی می‌کنید که می‌رود روی صلیب و از خود دفاع کرده نمی‌تواند و فدا می‌شود و چنین خدای که از خود دفاع کرده نمی‌تواند چگونه می‌تواند به دیگری کمک کند! و باز اگر او خدا بود و می‌خواست گناهان بندگان را ببخشد، ضرور نبود روی صلیب برود، اگر توانائی داشت بدون آن هم می‌توانست گناهان را مغفرت کند و سبب نجات شود!!!  
و باز شما فرمودید:

«آیا با خود فکر کردید که چرا اجازه نمی‌دهند انجیل در کشورهای اسلامی خوانده شود؟».

من از شما می‌پرسم کدام انجیل؟!!!

انجیل متی، انجیل لوقا، انجیل مرقس و یا انجیل یوحنا، کدامیک از این چهار انجیل که به دست انسان‌ها نوشته شده و در بسا موارد باهم اختلاف دارند و انسان در چنگال تناقض گوئی‌های آنها خود را گم می‌کند؟!!! اگر گفتم تناقض گوئی تعجب نکنید و ناراحت هم نشوید و اگر تا حالا شما متوجه نشدید، پس توجه فرمایید به گوشه‌ای از این تناقض گوئی‌ها: انجیل‌های متی و لوقا که به خدای شما نسب نامه نوشتند، در قسمت این نسب نامه و مصلوب شدن مسیح علیه السلام باهم کاملاً در تناقض قرار دارند:

\* متی می‌گوید: «عیسی پسر یوسف پسر یعقوب است».

\* لوقا می‌گوید: «عیسی پسر یوسف پسر هالی است».

\* متی از یوسف پدر عیسی تا ابراهیم ۴۰ نفر را می‌شمارد، لوقا ۵۵ جد برایش قایل است.

\* متی نسب مسیح را به سلیمان بن داود می‌رساند، اما لوقا او را از «ناتان» بن داود می‌داند.

و همچنین انجیل‌ها عموماً عیسی را خدا و پسر خدا می‌خوانند، ولی خدابودن و پسر خدابودن که نسب نامه نمی‌خواهد، پس چرا مسیح را پسر یوسف نجار معرفی می‌کنند و نسب نامه برایش درست می‌کند؟! اگر او پسر یوسف نجار است، پس چرا لوقا در فصل اول بند ۳۴ - ۳۵ می‌گوید که «روح القدس در شکم مریم دیده شده؟ و همچنان در انجیل متی فصل ۲۷ بند ۶۳ و لوقا فصل ۲۴ بند ۲۱ آمده است که مسیح بعد از سه شبانه روز از قبر برمی‌خیزد، اما انجیل مرقس می‌گوید مدت درنگ مسیح در قبر، یک روز بوده است، می‌نویسد «شام روز جمعه دفن شد و صبح روز یکشنبه وقتی مریم مجدلیه بر سر قبر آمد دید پیش از آن که بر سر قبر آید مسیح از قبر برخاسته است»<sup>(۱)</sup>.

و حالا من از شما می‌پرسم که آیا اگر شما به جای مسئولین کشورهای اسلامی می‌بودید چنین حرف‌های بی‌اساس و تهمت‌های ناروا را که به خداوند ﷺ که از شریک بی‌نیاز است و به مسیح عليه السلام نسبت داده شده است اجازه می‌دادید که در میان جوانان و نوجوانان پخش شود و اذهان‌شان را مخدوش کند؟! بناء ما مسلمانان به خاطر حفظ اندیشه‌های پاک جوانان، وظیفه خود می‌دانیم که از چنین حرف‌های سخیف جلوگیری نموده و نگذاریم اندیشه‌های پاک نوجوانان ما مملو از خرافات و اوهام شود.

و در اخیر شما فرموده بودید:

«به من اطمینان کنید که بدون مطالعه مسیحی نشدم».

بلی، من مطمئن هستم که شما قبل از این که اسلام را مطالعه فرمائید به انجیل روی آورده و بدون این که به اختلافات و تناقضات اناجیل متعدد – که قبلاً به شمه از آن اشاره رفت – توجه و فکر کرده باشید آن را قبول نمودید! دوست عزیز فراموش نکنید که تنها مطالعه کردن کار ساز نیست، اندکی بکار انداختن فکر و اندیشه و داور قراردادن عقل و قلب هم ضرور است، شما می‌شود مطالعه را از «روژه گارودی» دانشمند بزرگ فرانسوی و «اشوک کولن یانگ» منشی اسبق اتحادیه جهانی کلیسا و یوسف اسلام آوازخوان معروف انگلیسی و ده‌ها دانشمند غربی دیگر که بعد از مطالعه درست اسلام مسلمان شدند یاد بگیرید، درست است که شما انجیل را مطالعه فرمودید، ولی من نمی‌دانم به کدامیک از اناجیل ایمان آوردید؟! آیا فکر نکردید که چگونه می‌شود کتاب از خدا باشد و مولفش انسان، و باز این انجیل‌ها چندین انجیل باشد و از میان همه فقط چهار آن مشهور؟!.

آیا شما هنگام مطالعه در باره تثلیث «عقیده سه خدائی» (پدر + پسر + روح القدس) اندیشه نکردید که چگونه می‌شود «یک مساوی به سه باشد و سه مساوی به یک؟!» آیا این معمای عجیب و مجهول که شکل جدیدی از سه‌گانه پرستی رومی‌ها (ژوپی تر، ژونون و می نرو) می‌باشد و اگر از پدران روحانی هم پرسان شود می‌گویند: «تثلیث رمز مسیحیت است و کسی حق هیچگونه پرسشی را در این مورد ندارد» شما را به اندیشه وا نداشت؟! شما چگونه به دینی ایمان آوردید که هنوز نتوانسته است خدایش را به مردم بشناساند و برای شناساندن آن از اشکال هندسی کار گرفته و خدا را به مثلث تشبیه می‌کند و خدا را مرکب از اجزا می‌داند بی‌خبر از این که خداوند مرکب نیست اگر مرکب باشد محتاج به اجزاء خواهد بود و آن که نیازمند باشد خدا نخواهد بود!! دوست عزیز، هیچ عاقلی این سخن را نمی‌تواند

بپذیرد که سه خدا باهم یکی گردد در حالی که هم سه است و هم یک! من حیرانم که شما چگونه به این معما قناعت کردید؟!!!!.

«چه خدای عجیبی!

بدنش نان فطیر!

خون او جام شراب! مولدش سایه کاج! نام نازش بابا نوئل!»<sup>(۱)</sup>.

آیا دوست عزیز، هنگام مطالعه انجیل قصه عشای ربانی در شب کرمس و عقیده داشتن به این که شراب خون مسیح است و از نوش جان کردن نان فطیر با شراب و دعاخواندن پاپ این نان و این شراب به بدن عیسی تبدیل می‌شود، چون به قول انجیل مرقس فصل ۱۴ بند ۲۲-۲۴ مسیح پیش از مرگ خود جام شرابی را به حواریون می‌دهد و می‌گوید: «بنوشید که این خون من است» آیا این افسانه را با نیروی خدادادی عقل خود به داوری نگذاشتید؟!!!!.

و شما حتماً در شب‌های کرمس به کلیسا رفته اید و یک کشیش آمده و در حال دعاخواندن نان فطیر را پاره پاره کرده به شما تقسیم نموده است و کشیش دیگر با جام شراب آمده و شما پاره نان و جرعه از شراب را گرفته در شکم خود فرو بردید و نان را نجویدید تا مبادا بدن نازنین مسیح زیر دندان‌های تان اذیت شود، آیا از خود و از کشیش نپرسیدید که قبلاً از آن با پارچه پارچه کردن بدن مسیح تا این که در دهن تان جور بیاید، چرا سبب اذیت مسیح شدید؟!!!!.

و دیگر از خود نپرسیدید: این نان و این شراب که به عقیده پاپ‌های کلیسا تبدیل به بدن و خون مسیح شده و شما آن را نوش جان کردید، اگر مانند دیگر غذاها هضم شود و مراحل خود را طی کند توهین بزرگی به

۱- «کدامیک اسلام یا مسیحیت» نوشته سید علی موسوی. در باره تفصیل افسانه بابا نوئل و عشای ربانی می‌شود به این کتاب مراجعه فرمائید.



مسیح نموده اید و اگر بگوئید: خیر، این نان و این شراب هضم نمی‌شود و تبدیل به یک مسیح می‌گردد، از این رو باید در شکم آن مسیحی که ۵۰ بار در مراسم عشای ربانی شرکت کرده است پنجاه مسیح ذخیره شده باشد!!!

دوست عزیز، سال‌هاست که دانشمندان علم طب در سراسر جهان تاکید می‌کنند که شراب ماده خطرناکیست که موجب امراض مختلف گردیده، جسم و روح را فاسد می‌سازد، آیا از خود سوال نکردید که چگونه کلیسا آن را به یک نوشابه مقدس تبدیل کرده که از نوشیدن آن با نان فطیر انسان به فرزندی خدا می‌رسد و سعادت‌مند می‌شود، راستی چه نسبتی است میان نان فطیر و شراب و جسم مسیح؟! و با کدام روش علمی می‌توان ثابت ساخت که نان و شراب تبدیل به جسم مسیح می‌شود، آیا خجالت‌آور نیست در قرن بیست و یکم که همه امور زندگی بر پایه‌های علم استوار است، ما تن به این خرافات بدهیم و انسان قرن ۲۱ را به سوی خرافات دعوت کنیم!!! آیا به نظر شما جشن کرسمس پیش از این که یک عمل مذهبی و روحانی باشد مجموعه‌یی از اعمال ناشایسته، بازار عیاشی، شهوت‌رانی، باده‌نوشی، لجام گسیختگی و فحشا نیست!!!

بیا دوست عزیز، دست از این کارها بکش خود را از چنگال اوهام و گمان‌های نارسا رهایی بخش و به این پیام خدای یگانه گوش کن که می‌فرماید: ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿۱۷۱﴾ [النساء: ۱۷۱]. «ای اهل کتاب! در دین خود غلو و زیاده‌روی مکنید، و در باره خدا جز حق مگویید، بی‌گمان عیسی مسیح پسر مریم

فرستاده خداست، او کلمه خدا است که خدا آن را به مریم رساند و او دارای روحی است از جانب خدا، پس به خدا و پیغمبرانش ایمان بیاورید و مگوئید خدا سه‌تا است (از این سخن پوچ) دست بردارید که به سود شماست، خدا یکی بیش نیست که الله است و حاشا که فرزندی داشته باشد، و از آن اوست آنچه که در آسمان‌ها و زمین است و کافی است که خدا مدبر و کارساز باشد».

#### و این سخن پروردگار:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾ [آل‌عمران: ۶۴]. «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخن دادگرانه‌ای که میان ما و شما مشترک است، تا جز خداوند یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را به جای خداوند یگانه به خدایی نپذیرد...».

در اخیر یک بار دیگر به عنوان یک دوست تاکید می‌کنم که دروازه دل‌تان را به سوی حق باز کنید و اسلام را دور از تعصب مطالعه نمایید که به یقین می‌دانم، اگر فطرت سلیم باشد، به حق دست خواهید یافت. و من هم اگر در قسمت تعالیم ارزشمند اسلامی توضیح لازم باشد مثل یک دوست در خدمت شما می‌باشم.

از خداوند بزرگ و یگانه تمنا دارم تا شما و همه جوانان را به پسندیده‌ترین روش زندگی هدایت فرماید، و در پرتو توحید خالص همه ما را به رشد برساند.

نوشته که در دست دارید در حقیقت جوابی است به آن عده جوانان افغان که در خارج مرزها به خاطر عدم آگاهی درست از اساسات و ارزش‌های دینی و فرهنگی خود به مسیحیت گرویده و با ارسال نامه‌ها دیگران را نیز به سوی بی‌دینی «سه‌گانه‌پرستی» دعوت می‌کنند و از خلال نوشته‌های‌شان معلوم می‌شود که در باره‌ای اسلام هیچ نمی‌دانند به طور نمونه در همین نامه می‌نویسند:

«آیا می‌توانید از قرآن آیه‌ای را بیاورید که حیات ابدی (زندگی جاوید و همیشگی در بهشت) را تضمین کند؟» روشن است که این سوال ناشی از ناآگاهی نسبت به حقیقت اسلام است.

### یادآوری

این نوشته به کمک مالی افراد خیر به چاپ رسیده است، و این سلسله ادامه داشته و خواهان کمک‌های مالی وطنداران دین دوست و خیراندیش می‌باشد!

شماره تماس: ۰۰۹۳۷۹۹۱۰۹۰۷۳